

دستمزدهای کارگری و ترس اصلی سرمایه داران

سازمان فدائیان (اقلیت)

شانزدهم فروردین ماه هشتاد و شش

شورای عالی کار در اجلاس ۸۵/۱۲/۱۶ خود، حداقل مزد روزانه‌ی کارگران شامل قانون کار را ۶ هزار و صد تومان تعیین نمود. در حالی که حتا به‌زعم رسانه‌ها و منابع خبری وابسته به حکومت، درآمد ماهانه‌ی کمتر از ۴۰۰ هزار تومان، زیر خط فقر محسوب می‌شود، شورای عالی کار در کمال بی‌شرمی و بر مبنای نرخ تورم ساختگی بانک مرکزی، حداقل مزد ماهانه را مبلغ ۱۸۳ هزار تومان تعیین نمود و با این مصوبه خود، به‌طور آگاهانه، ادامه زندگی در زیر خط فقر را بر میلیون‌ها کارگر و اعضای خانواده آن‌ها تحمیل نمود.

در برابر میزان افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم و همچنین در مقایسه با هزینه‌های ضروری برای تامین نیازهای اولیه یک خانوار کارگری، افزایش حداقل دستمزد آنقدر ناچیز و مسخره بود که جهرمی وزیر کار احمدی نژاد، وعده داد از طریق افزایش برخی مزایای شغلی و رفاهی، رقم کل دستمزد را "ترمیم" کند و آن را به ۲۰۰ هزار تومان برساند. از این رو، در حالی که در بند یک بخش‌نامه وزارت کار پیرامون نحوه‌ی محاسبه دستمزد سال ۸۶، حداقل مزد روزانه ۶ هزار و صد تومان تعیین شده است، در عین حال در بند دوم آن نیز گفته شده است "سایر سطوح مزدی نیز به میزان روزانه ده درصد نسبت به آخرین مزد ثابت یا مبنا در سال ۸۵ افزایش می‌یابد." و در بند سوم آن نیز گفته شده است "به کارگرانی که در سال ۱۳۸۵ دارای یک سال سابقه کار شده و یا یک سال از دریافت آخرین پایه سنواتی آنان گذشته باشد روزانه ۲۵۰ ریال به عنوان پایه (سنوات) پرداخت خواهد شد."

لازم به ذکر است که بخش‌نامه وزارت کار در مورد نحوه‌ی محاسبه دستمزدهای سال ۸۶، همراه با دستورالعمل نحوه‌ی اجرای مصوبه شورای عالی کار، در چندین ماده و تبصره، به نحوی تنظیم شده و مسئله را بقدری پیچانده و پرابهام ساخته است که هم کارفرمایان، از پیچیدگی و ابهامات آن بتوانند حداکثر سوء استفاده را به نفع خود بنمایند و هم این که کارگران هرچه کمتر از آن سر در بیاورند و حق و حقوق آن‌ها تا حد امکان در لابلای این بندها و تبصره‌ها گم و گور شود!

سرمایه‌داران و دولت آن‌ها خوب می‌دانند که با این دستمزد ناچیز، کارگر و خانواده‌ی وی را در یک موقعیت و فضای نیازمندی دائمی و زندگی در فقر و گرسنگی رها ساخته‌اند.

به راستی کارگری که با مبلغ ۱۸۳ هزار تومان به سختی می‌تواند دو تا اتاق آن هم در مناطق جنوب و یا حاشیه شهر تهران اجاره کند، چگونه باید نیازهای زندگی خود را تامین کند؟ ولو آن که به ادعای وزیر کار، میزان دستمزد از طریق افزایش کمک هزینه مسکن، حق عائله‌مندی، بن کارگری و امثال این‌ها "ترمیم" شود و به ۲۰۰ هزار تومان هم برسد. که نمی‌رسد. باز هم این سؤال به‌جای خود باقی می‌ماند که یک خانوار کارگری با مبلغ ۲۰۰ هزار تومان که تازه معادل نصف خط فقر است، چگونه باید از پس هزینه‌های زندگی خود برآید و قوای جسمی و فکری خود را

برای ادامه کار ترمیم کند؟

در نظام سرمایه داری، کارگر برای امرار معاش خود و اعضای خانواده اش، مجبور است نیروی کار خود را به سرمایه دار بفروشد. سرمایه دار نیروی کار کارگر را می خرد و در ازاء آن مقدار معینی پول به کارگر می پردازد. مزد کارگر که تنها بخش اندکی از ارزشی است که نیروی کار کارگر آفریده است، تنها آنقدر است که کارگر بتواند با آن، نیازهای زندگی و وسائل معیشتی خود را جهت حفظ حیات و ادامه کاری برآورده سازد و توانایی خویش را برای کار، تجدید نماید.

در جمهوری اسلامی حتا این قاعده ی عمومی سرمایه داری هم رعایت نمی شود. در جمهوری اسلامی و بسیاری دیگر از کشورهای سرمایه داری، مزد کارگر، که کارگر باید با آن بتواند نیازهای خود را تامین و توانائی اش را برای کار تجدید نماید، یک جا پرداخت نمی شود. سرمایه داران عامدانه در ابتدا بخشی از مزد کارگر را می زنند و در دست خود نگاه می دارند و بخشی از آن را به عنوان مزد به کارگر می پردازند. در مرحله بعدی همین بخش پرداخت نشده را نیز تکه تکه می کنند و هر طور که خواستند با آن عمل می کنند و به فرض تحت عنوان کمک هزینه مسکن، حق خواروبار، حق عائله مندی، فوق العاده شغل، پاداش افزایش تولید و عناوین دیگری نظیر اینها که در قانون کار جمهوری اسلامی از آن به عنوان مزایای شغلی و رفاهی و "حق السعی" نام برده می شود، به کارگر می پردازند. بدین گونه، سرمایه داران با این نیرنگ آشنای خود، از یک سو بر سر کارگران منت می گذارند که به دلخواه خود مبالغی را اضافه بر مزد، به کارگران پرداخت کرده اند و بنابراین هر زمان اراده کنند می توانند آن را حذف و یا کم و زیاد کنند و از سوی دیگر با القاء چنین ذهنیت و برداشتی از تعریف مزد، سطح دستمزدها را همواره پائین تر از مبلغ اصلی و قبل از تکه تکه شدن آن نگاه می دارند و حتا هنگام بحث افزایش دستمزد نیز، نه مزد کامل کارگر (شامل همه آنچه که تحت عنوان مزد، مزایای شغلی و حرفه ای و "حق السعی" که به کارگران پرداخت می شود)، بلکه تنها بخش اول آن، مبنا قرار می گیرد.

اما در جمهوری اسلامی مسئله فقط این نیست که دستمزدهای کارگری بر پایه نرخ تورم ساختگی و در زیر خط فقر تعیین می شود، مسئله فقط اینهم نیست که مزد کارگر را تکه تکه می کنند، بخشی از آن را به عنوان مزد و بخش دیگر آن را تحت عناوینی چون مزایای شغلی و حرفه ای و "حق السعی" به کارگران می پردازند و یا نمی پردازند، بلکه مسئله این هم هست که همین دستمزدهای ناچیز و زیر خط فقر و تکه تکه شده را نیز به موقع به کارگران نمی پردازند. اگر در آغاز، تنها در برخی از کارخانه ها و موسسات تولیدی بحران زده و یا تعطیل شده بود که دستمزد کارگران به موقع پرداخت نمی شد و از یک ماه تا یک سال و دو سال و حتا بیشتر به تعویق می افتاد، اما اکنون چند سال است که عدم پرداخت به موقع دستمزدها از محدوده ی این دسته از کارخانه ها و موسسات خارج گشته و به اکثر واحدهای تولیدی تعمیم یافته است. امروز مسئله فقط به چند صد کارگر در این یا آن کارخانه که دستمزد نگرفته اند، خلاصه نمی شود. هم اکنون صدها هزار کارگر در سراسر کشور با این معضل دست به گریبان اند و دستمزد آن ها به موقع پرداخت نمی شود و پدیده ای که در آغاز روی کار آمدن حکومت اسلامی، بیشتر یک استثنا می نمود، اکنون به یک قاعده عمومی تبدیل شده است.

روشن است که عدم پرداخت به موقع دستمزدها، سیاستی است عمیقا ضد کارگری که از جانب کارفرما و دولت، به طور آگاهانه پیش برده می شود. سرمایه داران و دولت آن ها، برای پائین نگاه داشتن سطح مطالبات کارگری، برای

ممانعت از طرح مطالبات جدید توسط کارگران و برای جلوگیری از ارتقاء سطح مطالبات کارگری، عامدانه و آگاهانه به این سیاست روی آورده و آن را به تمام بخش‌های کارگری تعمیم داده‌اند.

اگر دستمزدها - ولو آن که ناچیزاند - به موقع پرداخت شود، کارگر بلافاصله می‌تواند به پائین بودن سطح دستمزد اعتراض کند و خواست افزایش دستمزد - و خواست‌های دیگری - را مطرح کند. اما وقتی که هنوز مزد کارگر پرداخت نشده است، کارگر چه می‌کند؟ بدیهی است که دستمزدش را که عقب افتاده است مطالبه می‌کند. برای سرمایه‌داران و رژیم آنها این بسیار مطلوب‌تر و بسی مقرون به صرفه‌تر است که مطالبه پرداخت دستمزدهای معوقه، به جای افزایش دستمزد و خواست‌های دیگری که می‌تواند متعاقب آن مطرح شوند، بنشیند. چنین است که اکنون پرداخت دستمزدهای معوقه، به اجبار، به یکی از خواست‌های اصلی و عمومی کارگران تبدیل شده است.

این واقعیت امروز بر همه کارگران اثبات شده است که طی نزدیک به سه دهه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و تعرضات پی‌درپی طبقه حاکم علیه طبقه کارگر، استثمار و حشیانه و ستم بر کارگران، بیش از پیش تشدید شده است. طبقه سرمایه‌دار، در راه تشدید بهره‌کشی و افزایش سود، از هیچ جنایتی در حق کارگران فروگذار نکرده است. سرمایه‌داران و مرتجعین حاکم و رژیم پاسدار منافع آنها، نه فقط شرایط اقتصادی و معیشتی به غایت دشوار، بلکه همچنین از لحاظ سیاسی نیز بی‌حقوقی مطلق را بر کارگران تحمل نموده‌اند. برخورد امروز رژیم جمهوری اسلامی و وزارت کار آن به شرایط کار و مسائل کارگری، از جمله برخورد آن به مسئله دستمزدها اعم از تعیین میزان حداقل دستمزد یا نحوه پرداخت آن، در همین راستاست و جدا از این تعرضات نیست. آنان سال‌هاست که از ترس شورش و اعتراض یکپارچه کارگران نسبت به استثمار و تشدید استثمار، به کارگران تعرض و یورش می‌برند و مدام فشار کار و استثمار را تشدید می‌کنند.

از نظر طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی آن، توده‌های کارگر باید در فقر و گرسنگی دائمی به سر برند. کارگران باید دست به دهان و به نان شب محتاج باشند. سطح خواست‌ها و توقعات آنان را تا حد ممکن باید پائین نگاه داشت. نباید کاری کرد که مطالبات آنان از حد مطالبات ابتدائی فراتر رود. نباید گذاشت کارگران "پرو" شوند. بر آن دسته از عواملی که موجب بازدارندگی مبارزه طبقه کارگر می‌شود دائما باید افزود. بندها را بردست و پای کارگران باید سفت‌تر کرد. نباید شل وادهیم. اگر از این فشارها اندکی بکاهیم، آن وقت کارگران هر روز مطالبه جدیدی را مطرح می‌کنند. جلوتر می‌آیند. هر روز دست به اعتصاب و شورش می‌زنند. ما را تحمل نمی‌کنند. نظم ما را با اقدامات عملی خود، زیر سؤال می‌برند. دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌ماند. اگر ماکوتاه بیابیم، کارگران بیامی خیزند، دست به قیام می‌زنند و بساط ما را جارو می‌کنند!

اینست شیوه‌ی تفکر و روش طبقه سرمایه‌دار در قبال کارگران. اینست ترس اصلی سرمایه‌داران، و اینست راز اصلی دستمزدهای زیر خط فقری و تعویق در پرداخت آن.

سازمان فدائیان (اقلیت)

نیمه اول فروردین ۸۶